مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۱۷ ، پاییز ۱۳۹۸جلد۱، ص ۳۸-۳۲
http://www.jrse.ir

دفینه

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۳۸-۳۲

سمیه رحمانی [۱]
[۱] کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه ازاد اسلامی واحد تاکستان

نویسنده مسئول:
سمیه رحمانی

چکیده:

با توجه به ماده ۱۷۴ قانون مدنی، دفینه ای که مالک آن معلوم نباشد ملک کسی است که آن را پیدا کرده است ما در صورتی که مالک آن معلوم باشد، مانند آن که در دفینه اوراقی باشد که نام مالک بر آن نوشته شده باشد و مالک یا ورثه او شناخته شود پیدا کننده باید آنرا تسلیم به مالک یا ورثه او بنماید .احکام دفینه در قانون مدنی در مواد ۱۷۲ تا ۱۷۸ بیان شده. احکام مربوط به دفینه و مطالعه آن در عین حال که به خودی خود فنی و دشوار است از نظر اشرافیت بر سایر مسائل و تمیز آن و آگاهی از سایر موارد مشابه و مشکلات نیز بسیار مفید است، از آن جا که قانون مدنی کشور ما، مالکیت این اموال را به یابنده دفینه داد، این حکم با قوانین کیفری و آئین نامه هایی که در مورد میراث فرهنگی آمده است تناقض دارد. زیرا آثار ملی نشان دهنده نشانه تاریخ و فرهنگ گذشتگان ما می باشد. مخصوصاً سرزمین ایران که دارای دیرینه ای درخشان و کهن است و آثار تاریخی بسیاری در این خاک به یادگار مانده است. پس زمانی می توان از آثار ملی و تاریخی به خوبی حمایت و حفاظت کرد، که مالکیت آن ها متعلق به دولت باشد و یا زیر نظر و نظارت دولت قرار گیرد، تا از جرایمی که ناشی از خرید و فروش این اموال صورت می گیرد جلوگیری شود.

امروزه این اموال تا حدی برای باستان شناسان اهمیت دارد که باستان شناس با توجه به چگونگی قرار گرفتن این اموال در زیر خاک، فرهنگ و تاریخ یک قوم را می نویسد، در حالی که قاچاق چیان دفینه با حفاری های غیر مجاز خود باعث نابود شدن فرهنگ آن قوم می شود و برای همیشه از صفحه تاریخ حذف می شود، و هم چنین بسیاری از عتیقه ها و آثار ملی که هم از نظر قدمت و هم از نظر قیمت با ارزش بود به وسیله تاجران بی خرد از کشور ما خارج شده و در موزه کشورهای بیگانه نگهداری می شود، بنابراین نیاز مبرم از حمایت دولت در این گونه اموال می باشد.

کلمات کلیدی : قانون مدنی ، دفینه ، فقه

مقدمه:

دَفینه به مجموعه‌ای از سکه‌ها و اشیای باارزش گفته می‌شود که در قدیم در زیر خاک دفن شده‌باشد. دفن‌کننده‌های این اشیای باارزش معمولاً این کار را با این قصد انجام داده‌اند که پس از مدتی گنجینه را دوباره از زیر خاک به‌در آورند اما در برخی موارد، مرگ دفن‌کننده باعث باقی ماندن دفینه در زیر خاک شده‌است.

به عبارت دیگر به اشیاء قیمتی و ارزشمندی مانند طلا و نقره که به منظور محافظت از بلایای طبیعی، جنگ‌ها و دزدان و راهزنان، در جاهایی مانند زیر خاک، داخل دیوارها، در پای درختان، چاه ها، قنات‌ها و این قبیل محل‌ها مدفون شده‌است دفینه یا گنج گویند.

دفینه‌ها ممکن است پس از مدت‌های مدید توسط جویندگان گنج، باستان‌شناسان، یا توسط افراد معمولی به‌طور اتفاقی کشف شوند.

اشیای کشف‌شده باارزش توسط جویندگان گنج یا افراد غیرکارشناس معمولاً معروف به اشیای «زیرخاکی» است.

فراموش شدن محل دفن یک دفینه یا تغییرات در جغرافیای محل می‌تواند باعث سخت شدن و طولانی‌مدت شدن بازیافت آن شود.

گفتار اول : دفینه

بند اول : معنی و تعریف دفینه در لغت

دفینه بر وزن دفن جمع آن دفائن به معنی به خاک سپردن و مدفون کردن می باشد که در لغات و ادبیات فارسی به معنای گنج اما در لغت عربی به معنای کنز به کار می رود و دارای معانی دیگری چون ثقل، گنجینه و خزانه است. و در تعریف آن گفته اند: زر و گوهر و مالی باشد که آن را جمع و گردآوری کرده و ذخیره کرده و در خاک پنهان کند. یعنی هویت احدیت است که مکنون در غیبت است پس در این تعریف به اموالی که در زیر زمین پنهان باشد و حالت مالیت را داشته باشد را دفینه می گویند. و اموالی از قبیل طلا و نقره ای که در مخزن و صندوقی نگهداری می شود حکم کنز را ندارد.[۱] [۲]

و نیز در جای دیگر این گونه معنا کرده اند : « المال المدفون لعاقبه» مالی را که دفن کرده و برای عاقبتش فکر کرده باشد و در این تعریف با داشتن قصدی مال را در خاک ذخیره کرده توجه داشته. [۳]

بند دوم : معنی و تعریف دفیه در اصطلاح :

همان طور که از لحاظ لغت تعریفی از دفینه بیان شد، لذا برای تفهیم و روشن شدن بهتر کلمه دفینه نیاز بر این است تعریفی در اصطلاح از نظر فقهی و حقوقی ارائه شود.

بند سوم : معنی و تعریف دفینه در فقه امام:

دفینه در فقه به عنوان کنز یا رکاز نامیده می شود و در تعریف کنز در میان فقهای اسلامی اختلاف اندکی وجود دارد. اما در یک تعریف کلی شامل مالی است که در عرف به نام گنج خوانده می شود نظیر اجناسی که در زیر زمین، در کوه، داخل دیوار یا درخت و امثال آن ها ذخیره و دفن گشته است.

در مسالک الافهام آمده است : الکنور ... گنج و آن مالی است ذخیره شده زیر زمین با ... که بر آن مال خمس واجب است.[۴]

صاحب جواهر می فرماید: گنج مالی است ذخیره شده در زیر زمین [۵]

امام خمینی(ره) در تحریر می فرماید: گنج و مرجع تشخیص چیزی که به آن گنج گفته می شود عرف است.[۶]

پس اگر صاحب آن را نشناسد چه در شهرهای کفار باشد یا در زمین موات، یا زمین مخروبه از بلاد اسلامی باشد، چه اثر اسلام بر آن باشد یا نه، در همه این صورت ها ملک یا بنده اش می باشد.

---

[۱] - آذرتاش، آذر نوش، مجمع اللغات فرهنگ مصطلحات، ص ۴۷۳.

[۲] - افرام البستانی، فواد، المعجم الوسیط، جلد۲، ص ۱۷۰۴.

[۳] - الطریحی، الشیخ فخرالدین، مجمع البحرین، جلد ۴، ص ۷۵.

[۴] - شهید ثانی، زین الدین ابن علی، مسالک الافهام، جلد۱، ص ۴۵۹.

[۵] - نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، جلد ۱۶، ص ۲۵.

[۶] - امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد ۲، ص ۸۵.

در تفسیر آیات الاحکام آمده است هر سال قیمتی که از زیر زمین، یا کوه، یا دیوارها یا درون درخت، یا سقف خانه پیدا شود و عرفاً به آن « گنج» گفته شود خواه طلا و نقره مسکوک و یا غیر مسکوک و یا غیر آن ها باشد، چه در زمین شخصی و یا موات و غیره به دست آید خواه یابنده مسلمان و یا غیر مسلمان بزرگ یا کوچک باشد.

البته در مورد گنج و انواع و هزینه آن و مقدار نصاب و مصادیق آن، در میان فقهاء ما و هم چنین فقهاء اهل سنت، اختلافات فروانی است که لازم است به مکتب فریفتن مراجعه شود.

علامه خوئی(ره) در منهاج الصالحین می فرماید: گنج آن مالی است ذخیره شده در محل. این محل زمین باشد یا دیوار یا از این قبیل[۷].

هر چند بعضی از فقها در تعریف کنز قصد ذخیره کردن را اضافه کرده اند و فرمودند: آن مالی است (از طلا، نقره و جواهرات) که در شهر کفار حربی به قصد ذخیره کردن در زیر زمین دفن شده باشد خواه اثر اسلام باشد و خواه نباشد و یا در شهر اسلامی دفن شده ولی اثر اسلامی بر آن نباشد.

بند چهارم : معنی و تعریف دفینه در حقوق

دفینه (گنج، کنز) در اصطلاح حقوقی به این معناست « بعضی اشخاص در سابق نقدینه خود را از طلا، نقره و جواهرات از بیم دستبرد و یا غارت، بدون آن که کسی را که آگاه سازند در ظرف هایی که در مجاورت خاک فاسد نمی شوند و یا دیرتر فاسد می گردند، ریخته و در خاک و یا در بنایی پنهان می نمودند و اگر آن مال اکنون بر اثر تصادف و بر حسب اتفاق به دست آید، در حالی که خود مالکان آن اموال هلاک شده اند، به آن دفینه می گویند.» [۸]

قانون مدنی در ماده ۱۷۳ در تعریف دفینه چنین گفته است: دفینه مالی است که در زمین یا بنایی دفن شده و بر حسب اتفاق یا تصادف پیدا می شود. ولی این تعریف کامل به نظر نمی رسد. زیرا در صورتی دفینه جزء مباحات است که دارای مالک خاص نباشد.

و بعضی از حقوقدانان دفینه را به این گونه نیز تعریف کرده اند: دفینه مال مدفون در زیر خاک و هر موضع دیگر (مانند مروارید در شکم ماهی) خواه کسی آن را مدفون کرده باشد خواه نکرده باشد. مثلاً خانه ای خراب به زلزله شده و مالی زیر آوار مانده و مدفون شده باشد و تصادفاً یافت شود در فارسی آن را گنج و معرب آن کنز است در پاره ای موارد به لقطه نزدیک می شود. [۹]

هم چنین در تعریف کنز مصادیقی را آورده اند:

۱- مال منقول که در زمان حدوث گنج مالیت داشته است ولو آن که در زمان کشف گنج از مالیت افتاده باشد مانند سکه های مس از رواج افتاده بعد از حدوث گنج.

۲- زیر زمین ذخیره شده باشد برای مدت محدود (غالباً) یا نا محدود

۳- به قصد ذخیره کردن در زیر زمین نهند پس اگر به زلزله و یا انهدام بنا یا سیل و یا اخفاء اموال مسروقه .

۴- مال منقول زر زمین رود عنوان گنج را ندارد بلکه دفینه است ضرورت ندارد که گنج در وعاء (ظرف) باشد هر چند که غالب چنین است پس سخن از هری ناتمام است.

۵- مکشوف نشده باشد زیرا پس از کشف عنوان گنج را ندارد .[۱۰]

گفتار دوم : دفینه در حقوق مدنی

قانون مدنی به عنوان مهمترین قانون حاکم بر روابط افراد با یکدیگر که در سال ۱۳۳۵ ماده و در سه جلد تنظیم و تصویب شده است جلد اول قانون مدنی طی ماده واحده در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسیده و مشتمل بر ۹۹۵ ماده است که بر مبنای فقه امامیه تنظیم و تدوین شده است.

قانون مدنی ایران از لحاظ جامعیت دقت دقت سبک نگارش و استحکام مواد از بهترین شیواترین و کاملترین قوانین کشور محسوب می شود که همین امر باعث شده است به رغم گذشت بیش از هفتاد سال از عمر آن کمتر مورد کسب و اطلاع واقع شود.

هر چند در عصر تدوین قانون مدنی میراث فرهنگی به مفهوم امروزی آن مورد توجه نبوده است اما قانون مدنی راجع به مصادیقی از آن احکام را وضع کرده است که از اولین قوانین ناظر به موضوع محسوب می شوند قانون مدنی برای نخستین بار در قوانین کشور از عبارت «

---

[۷] - موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج۹، ص ۳۴۹.

[۸] - امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج۱، ص ۱۵۴.

[۹] - جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج۳، ص ۱۹۴۶.

[۱۰] - همان، ج۴، ص ۳۰۵۳.

آثار تاریخی» استفاده کرده و در فصل سوم احکامی را در خصوص این مورد وضع کرده است هم چنین مواد ۱۷۳ تا ۱۷۸ از قانون مدنی به دفینه (کشف اموال فرهنگی – تاریخی) اختصاص یافته است که به ترتیب مورد بحث قرار می گیرد. [۱۱]

گفتار سوم : احکام دفینه در قانون مدنی

قانون مدنی در مواد ۱۷۳ تا ۱۷۶ دفینه را به عنوان یکی از مباحات ذکر کرده و قواعد را به آن اختصاص داده است (همانطور که قبلاً بیان کردیم) بر اساس ماده ۲۷ از قانون مدنی مباحات اموالی هستند که ملک اشخاص نمی باشد و در صورتی که کسی آن ها را بر اساس مقررات مندرج در قوانین ناظر به موضوع تملک کرده یا از آن استفاده نماید مال مباح مذکور متعلق به او خواهد بود احکام مربوط به مباحات شامل اموالی است که قبلاً مالک داشته ولی مالک از آن اعراض کرده و از مالکیت خود صرف نظر نموده است.

برابر ماده ۱۷۳ از قانون مدنی دفینه مالی است که در زمین یا بنایی دفع شده و بر حسب اتفاق و تصادف پیدا می شود. البته طبق این ماده نمی توان تمام اموالی را که از زیر زمین یا بنا به دست می آید جز مباحات دانست زیرا مال مدفون در صورتی از مباحات محسوب می شود که مالک خاص نداشته باشد اگر شخصی برای حفظ اموال قیمتی خود و جلوگیری از دستبرد دیگران اموالی را در زمین یا بنا دفن کند و دیگران آن را بیابد چنین مالی دفینه محسوب نمی شود.

ماده ۱۷۴ قانون مدنی در این باره می گوید دفینه که مالک آن معلوم نباشد ملک کسی است که آن را پیدا کرده است. اما در صورتی که مالک آن معلوم باشد مانند آن که در دفینه اوراقی باشد که نام مالک بر آن نوشته شده و مالک یا ورثه او شناخته شوند پیدا کننده باید آن را تسلیم به مالک یا ورثه کند.

پس از قید پایان ماده ۱۷۳ نباید استفاده کرد که مال مدفون باید در اثر اتفاق و تصادف پیدا شده باشد تا دفینه به حساب آید هر مالی که در زمین با بنا دفن شده باشد و کسی هم نتواند مالکیت خود را بر آن اثبات کند به کشف آن تعلق دارد و چگونگی پیدا کردن دفینه فقط در تشخیص مالک آن موثر است بدین توضیح که :

۱- هر گاه اشخاص به حساب و فرمان دیگری به کاری مشغول باشند و ضمن انجام وظایف خود به دفینه ای برخورد کنند یابنده دفینه مالک آن است.

۲- بر عکس اگر وظیفه کارگران جستجوی دفینه های باشد و بر حسب پیش بینی کارفرما به حفاری در زمین مشغول گردند اموالی که پیدا می کنند ملک آنان نیست و چون در اثر تصادف و اتفاق پیدا نشده به کسی که قصد حیازت آن را داشته است تعلق دارد.

زمینی که دفینه در آن یافت می شود بر سه قسم است:

۱- زمین های مباح – طبق ماده ۱۷۶ قانون مدنی دفینه ای که در اراضی مباحه کشف شود متعلق به مستخرج آن است. زیرا تنها کسی که می تواند حق بر مال مزبور پیدا نماید پیدا کننده آن خواهد بود مگر آن که مالک آن شناخته شود.

۲- زمینی که ملک غیر است طبق ماده ۱۱۵ قانون مدنی و الا به ماده ۱۷۴ ق.م چون مالک آن معلوم نیست مال پیدا کننده است مانند آن که کارگری در کندن پی یا یا زیر زمین دفینه ای بیابد. زیرا دفینه از اجزای زمین محسوب نمی شود تا مشمول ماده ۳۸ ق.م شود و نیز از نما و محصول زمین به شمار نمی آید تا مورد ماده ۳ قانون مدنی قرار گیرد.

۳- دفینه که هر اراضی مستخرج آن است به طریق اولی باید بر آن بود دفینه ای که مستخرج و زمین ملکی خود بیابد تعلق به او خواهد داشت و لازم نیست که از پیدایش آن مالکین سابق خود را آگاه سازد چنانکه کسی مدعی مالکیت دفینه مزبور باشد می تواند اقامه دعوی نمود و آن را اثبات کند.

گفتار چهارم : دفینه در و فقه امامیه

پیداست که ذخیره یکی از عناوینی است که متقوم به قصد است. بدون قصد اگر مالی از کسی ولو در یک جا مستور باشد، عنوان مذخور صدق نمی کند. ذخیره آن جایی است که انسان از روی اراده و از روی قصد این کار را می کند برای اغراضی که نسبت به این مال برای خودش یا وراثش یا کارهای دیگری که مربوط به خیرات و مبرات است انجام بدهد.

از این کلمه مذخور استفاده شده که باید قصد به این تعلق گرفته شده باشد، یعنی باید بدانیم این مالی را که مثلا الان در زیر زمین پیدا می کنیم، این مالی است که صاحبش این مال را در این جا از انظار مردم مخفی نگه داشته به عنوان ذخیره که یک روزی مورد استفاده قرار بگیرد. لکن مشهور این معنا را انکار دارند که باید قصدی در کار باشد و لازمه اش هم این است که احراز کنیم این معنا را، باید کسی

[۱۱] - صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین المللی، جلد ۱، ۲، ص ۲۰۲.

که یک گنجی را پیدا می کند، احراز کرده باشد که صاحب اصلی این گنج، نسبت به این مال، قصد ذخیره داشته. مشهور این معنا را انکار کرده اند گفته اند: قصد ذخیره و عدم قصد ذخیره، هیچ کدام در معنای کنز دخالت ندارد.

پس نظر مشهور این است که در کنز نیازی به قصد وجود ندارد و کنز عمومیت دارد و شامل هر مالی است که در زیر زمین مستتر یا پنهان شده باشد.

تنها کسی که روی این مساله اصرار می ورزد مرحوم شهید ثانی است که هم در کتاب مسالک «شرح شرایع» و هم در کتاب روضه « شرح لمعه» در هر دو اصرار دارد که باید عنوان ذخیره احراز بشود، و اگر عنوان ذخیره بودن از طرف ملک و قصد ذخیره احراز نشود، این لقطه است و احکامی که بر سایر لقطه ها بار می شود، در مورد این مال هم باید بار بشود.

هم چنین ظاهر نص روایت نیز، بین داشتن قصد و عدم قصد فرقی قائل نشده است، زیرا در روایت زراره که می گوید از امام باقر(ع) در مورد معادن سوال کردم و ایشان فرمودند: هر مالی که پنهان شده باشد، در آن خمس است.

روایت زیادی که درباره کنز آمده حرفی از قصد در ذخیره کردن مال باشد نیامده است و در تقیید مفهوم کنز به وجود قصد، چه از نظر عرف و چه از نظر لغوی محقق نیست، بلکه عرف، کنز را شامل هر مالی که در زمین قرار گرفته است می داند، هر چند که قصد مالک بر ذخیره کردن محقق نشود و حتی در صورتی هم که عدم قصد ذخیره کردن احراز شود، اگر مالی به سبب ویران شدن منزل پنهان شده باشد، مثلا به خاطر عذابی که خداوند نازل کرده باشد، ذخیره کردن در اینجا قصد نشده است، در حالی که این گونه اموال را جزء عنوان کنز می دانند.

نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده در مقاله نتیجه می گیریم که:

از آنجایی که قانون مدنی جمهوری اسلامی بر گرفته از نظرات مشهور فقهای شیعه می باشد بنابراین قانون مدنی آنچه را که در مورد دفینه گفته با فقه هم خوانی دارد اگر چه در جزئیات بین فقه و قانون مدنی اختلافاتی وجود دارد.

فقهای اسلامی تشخیص در نوع زمینی که دفینه در آن یافت می شود در مالک شدن فرد یابنده موثر می داند چون آنها گفته اند دفینه ممکن است در زمین دارالحرب یافته شود که در این صورت مال مذکور با همه شرایط موجود به ملکیت یابنده در می آید و اگر در دارالاسلام یافت شود در صورتی که اثر اسلامی نداشته باشد برای یابنده است و اگر اثر اسلامی داشته باشد در حکم کنز نیست و لقطه است.

همچنین قانونگذار در قانون مدنی ما می گوید اگر دفینه ای یافت شود در صورتی که مالک آن مشخص نباشد و یا در زمین مباحی یافت شود مال پیدا شده برای یابنده می شود.

پس در نتیجه باید گفت هم فقها در فقه اسلامی و هم حقوقدانان در ق.م مالکیت کنز را مال یابنده آن می دانند بطور خلاصه قائل به مالکیت شخصی هستند.

در حالی که در همین راستا قوانین مربوط به حفظ آثار ملی و عتیقه به تصویب رسید که در این قانون مالکیت شخصی را محترم نمی داند و اموال یافت شده را متعلق به دولت می داند تا دولت با حفاظت و نظارت خود و با توجه به معیار ها و مقررات معین بتواند هر گونه هرج و مرج و سوء استفاده ناشی از سوی دلالان و سودجویان عتیقه را بگیرد.

در حقوق مدنی و در فقه نیز اکثر فقها معتقدند که کنز اختصاص به طلا و نقره (اعم از مسکوک و غیر مسکوک) یا سایر جواهرات ندارد ، بلکه شامل هر چیزی است که مالیت داشته باشد و دلیل این حکم نیز این می باشد که مفهوم گنج اعم از طلا و نقره می باشد و هیچ دلیلی بر اختصاص کنز به طلا و نقره وجود ندارد ، چه برسد به مسکوک بودن این دو .

در کنز قصد ذخیره کردن لازم نمی باشد چراکه عرف کنز را شامل هر مالی که در زمین قرار گرفته است می داند هر چند قصد مالک بر ذخیره کردن محقق نشود و حتی در صورتی هم که عدم قصد ذخیره کردن احراز شود .

کنز باید در اخل زمین یا همانند زمین پوشانده شده باشد ، مثل درخت یا کوه یا دیواری بنابراین بر آنچه که روی زمین یافت می گردد عنوان کنز صدق نمی کند ولو در صندوق و یا کیفی که در صحراها و بیابان ها می باشد .

برابر لایحه قانونی راجع به جلوگیری از حفاری های غیر مجاز اشیاء عتیقه و آثار تاریخی به اشیای گفته می شود که یکصدسال یا بیشتر از تاریخ ساخت یا ایجاد آن گذشته باشد بدین ترتیب شرط قدمت مندرج در ماده یک قانون راجع به حفظ آثار ملی که بیان می داشت کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا پایان دوره حکومت سلسه زندیه در کشور ایران احداث شده اند اعم از منقول و غیر منقول تحت حفاظت و نظارت دولت بوده و می تواند جز آثار ملی محسوب شود به طور ضمنی نسخ شد .

لازم به ذکر است مواد مربوط به احکام دفینه در سال ۱۳۰۹ با تصویب قانون راجع به حفظ اثار ملی منسوخ شده است و مواد مذکور صرفا در فاصله زمانی کوتاه تصویب قانون مدنی تا تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی قابل اجرا بوده است .

البته قوانین مربوط به حفظ آثار ملی هم نقاط قوت و ضعفی وجود دارد چون با وجود چنین قوانینی نیز ما امروزه شاهد نابود شدن بسیاری از آثار فرهنگی تاریخی از سوی افرادی که در جستجوی دستیابی گنج باشند هستیم و این خود برای باستان شناسان جامعه و اداره میراث فرهنگی واقعه ای جبران ناپذیر است اما در کل نتایج مطدوب و مفیدی برای حفظ آثار ملی و تاریخی نسبت به گذشته داشته است.

منابع :

1 - آذرتاش، آذر نوش، مجمع اللغات فرهنگ مصطلحات.
2- افرام البستانی، فواد، المعجم الوسیط، جلد۲
3- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، جلد ۱۶
4 - امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد ۲
5- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج۱.
6 - جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج۳
7- صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین المللی، جلد ۱، ۲

1- Ali Tavassoli, Master of Private Law, Legal Study of Dept., Islamic Azad University .Iran
2- Somayeh Rahmani, Master of Criminal Law and Criminology, The Place of Restorative Justice in Islamic Law and Islamic Law, Islamic Azad University.Iran.